

به نام خدا

کلاس نقد فیلم

در این جلسه می‌خواهیم آشنایی مختصری با مفهوم نورپردازی و شکل‌های مختلف نورپردازی داشته باشیم و همین‌طور تفاوت‌های نورپردازی و فیلم‌برداری را در دو سبک اکسپرسیونیستی و رئالیستی در سینما ببینیم.



(نمایی از فیلم قاره‌ی هفتم - میسائیل هانکه)



(نمایی از فیلم پنهان - میسائیل هانکه)

جلسه ۴ : نورپردازی.

جلسه ۵ : دوربین.

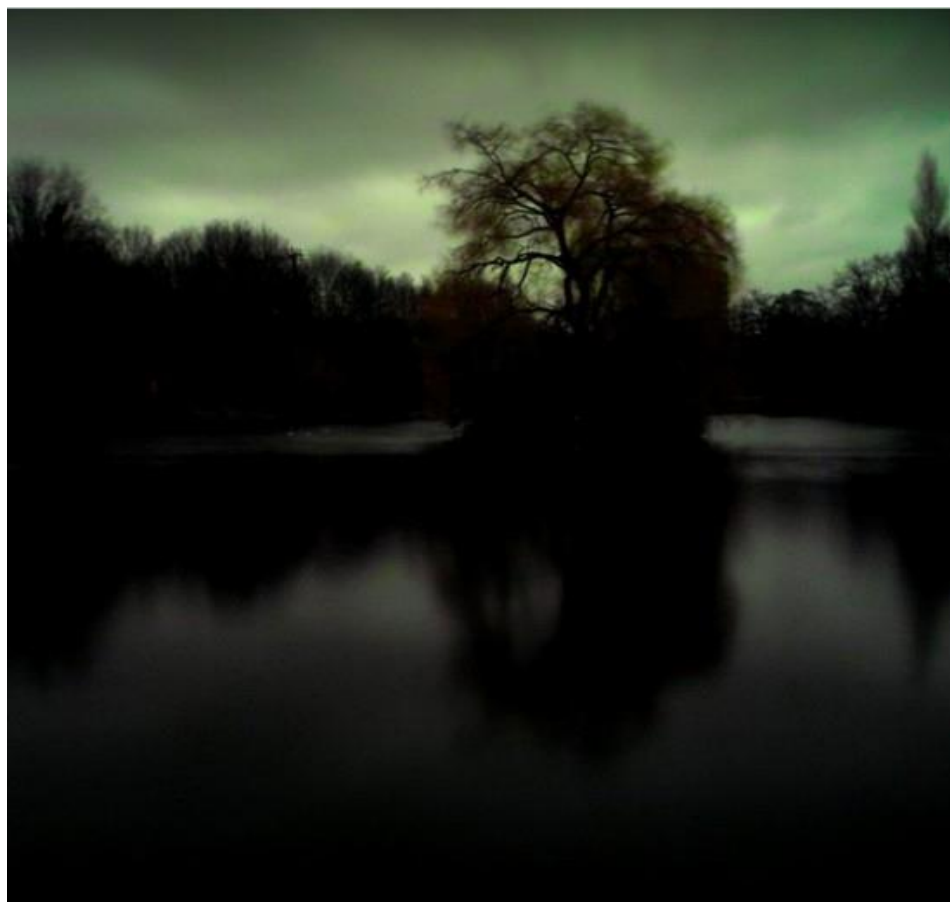
اهمیت نورپردازی بر هیچ فرد آشنا با عکاسی و سینما پوشیده نیست. مفهوم نورپردازی صرفاً تاباندن نور بر اشخاص یا اشیاء نیست بلکه می تواند در پیشبرد قصه، شخصیت پردازی، تعلیق، تاثیرات روانکاوانه و موارد دیگر در فیلم کاربرد داشته باشد. در این جزوه نه تنها به نور بلکه به مفاهیمی چون خطوط و رنگها نیز خواهیم پرداخت.



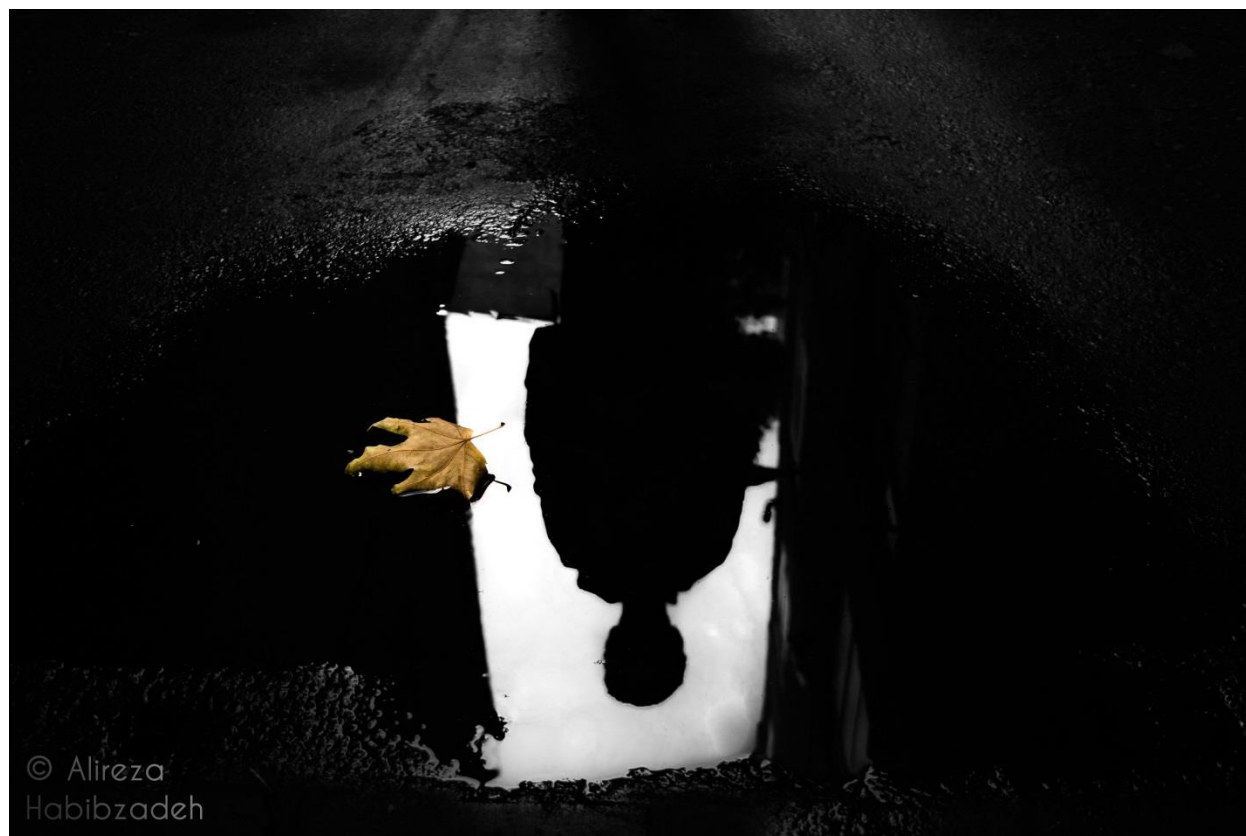
(استفاده از منبع نور پشت سر شخصیت سبب ضد نور شدن آن و ایجاد تعلیق شده است.)



(استفاده‌ی هنرمندانه از سایه و نور)



(از پولارویدهای گرفته شده توسط آندری تارکوفسکی - استفاده‌ی هنرمندانه از بازتاب)

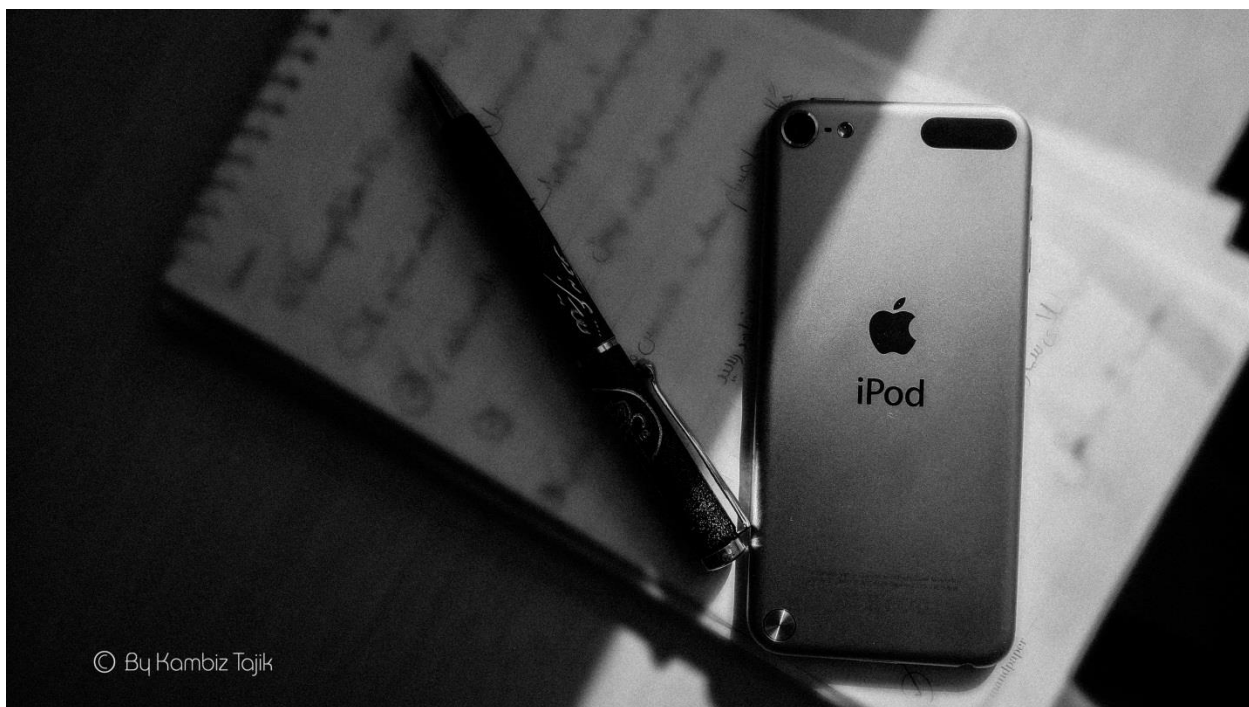


© Alireza
Habibzadeh

(استفاده‌ی هنرمندانه از بازتاب)

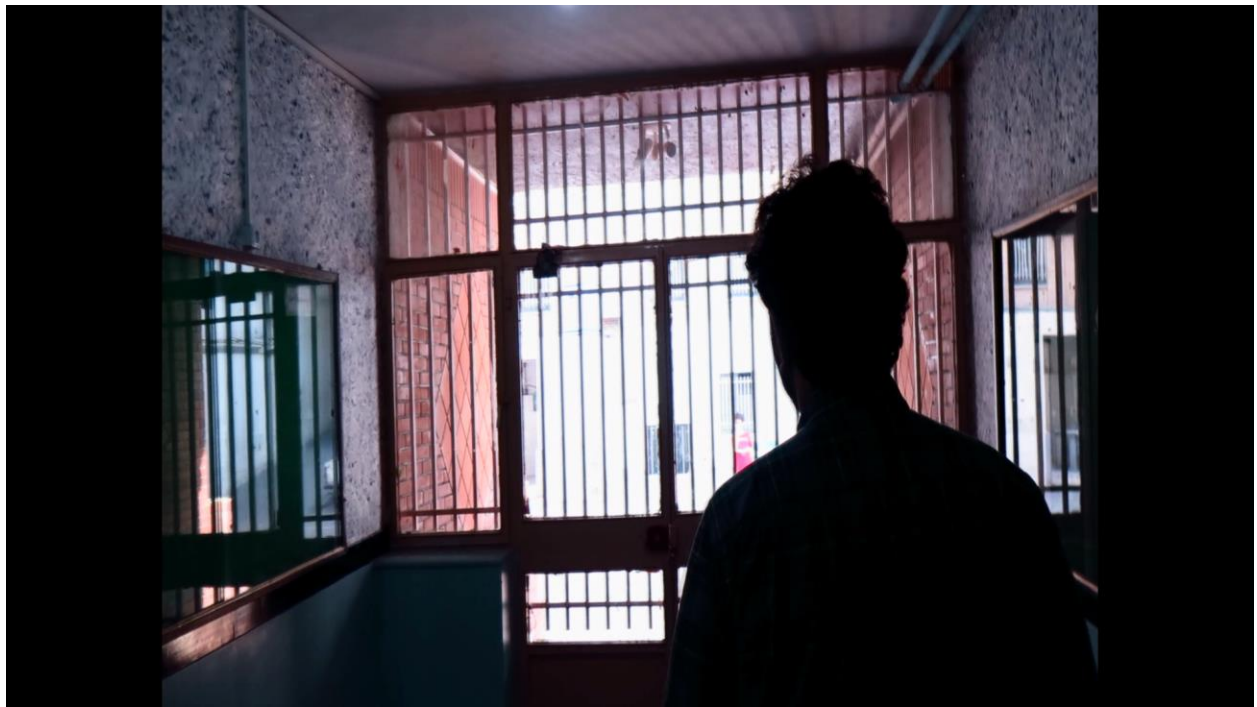


(نمایی از فیلم مهر هفتم ساخته‌ی اینگمار برگمان - استفاده‌ی هنرمندانه از سایه و روشن)



© By Kambiz Tajik

(استفاده‌ی هنرمندانه از سایه و روشن)



(نمایی از فیلم آزادی در زندان ساخته‌ی سینما حلی - استفاده‌ی هنرمندانه از سایه و روشن)



(نمایی از فیلم قرمز ساخته‌ی کریستف کیشلوفسکی - رنگ‌ها از عناصر زیبایی‌شناسی هستند.)



© Kambiz Tajik / Iran / Yazd

(رنگ‌ها از عناصر زیبایی‌شناسی هستند.)



(نمایی از فیلم تولد یک ملت ساخته‌ی دیوید وارک گریفیث - خطوط می‌توانند کارکرد روان‌شناسانه داشته باشند.)



(نمایی از آپارتمان ساخته‌ی بیلی وایلدِر - خطوط می‌توانند کارکرد روان‌شناسانه داشته باشند.)

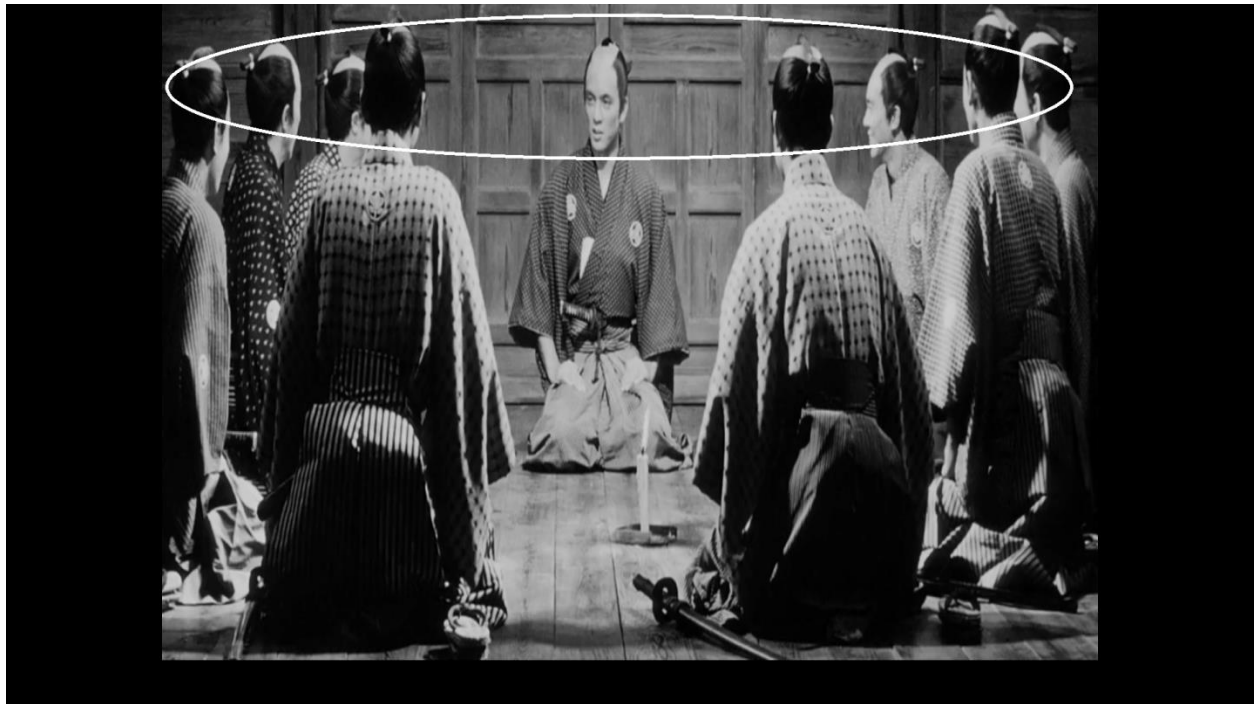
۱. ترکیب‌بندی و خطوط:

در این جا چند نکته از ترکیب‌بندی رنگ‌ها و خطوط خواهیم گفت :

ترکیب‌بندی یا Composition چیست؟

در سینما و عکاسی منظور از ترکیب‌بندی چگونه قرار گرفتن عناصر موجود در میزانشن (از اشخاص و اشیاء گرفته تا نور) است. به معنای ساده‌تر عناصر موجود در تصویر باید با هم تناسب داشته باشند.

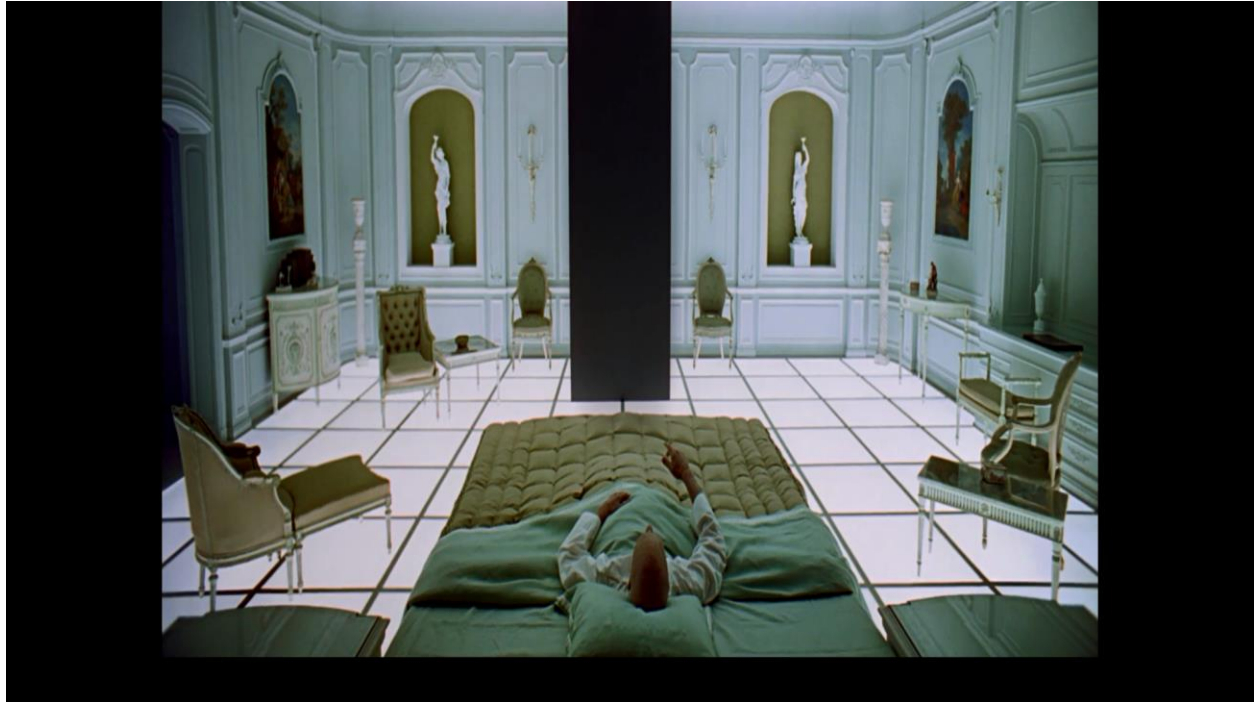




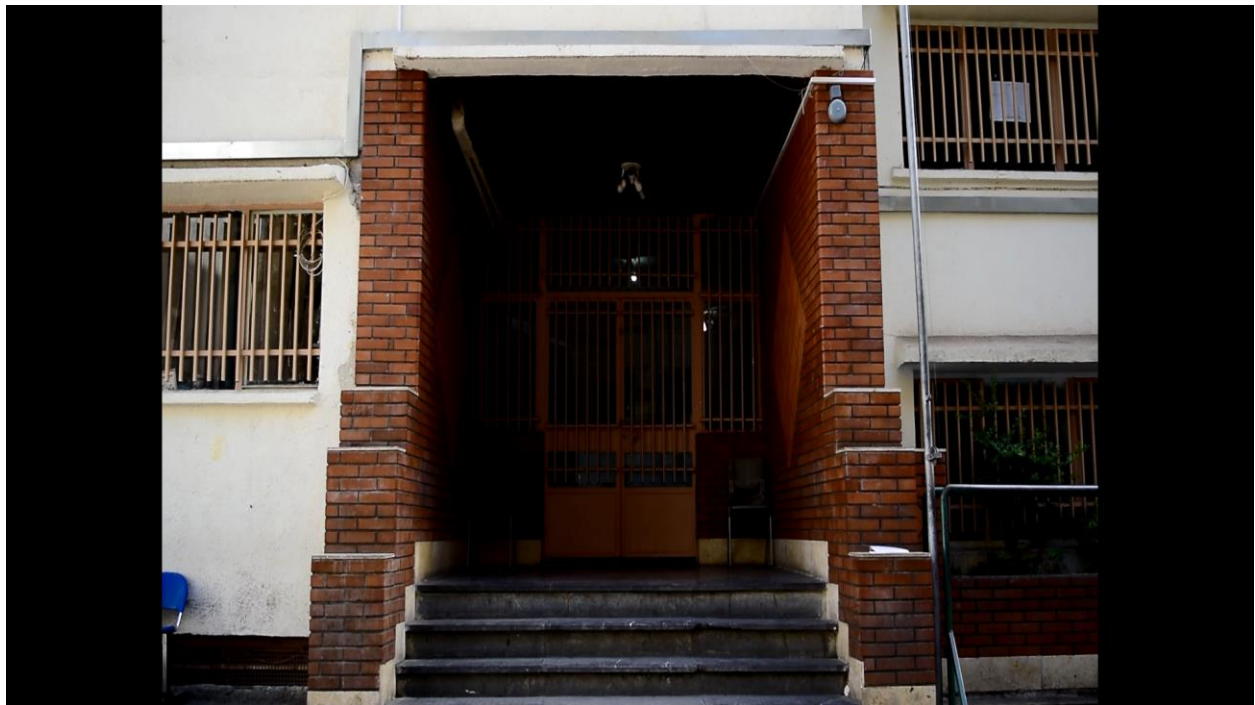


(Composition & Color Analysis)

تقارن از عواملی می‌باشد که در یک ترکیب‌بندی مورد توجه قرار دارد :



(نمایی از فیلم ۲۰۰۱: یک ادیسه‌ی فضایی ساخته‌ی استنلی کوبریک - تقارن)



(نمایی از فیلم آزادی در زندان ساخته‌ی سینما حلی - تقارن)



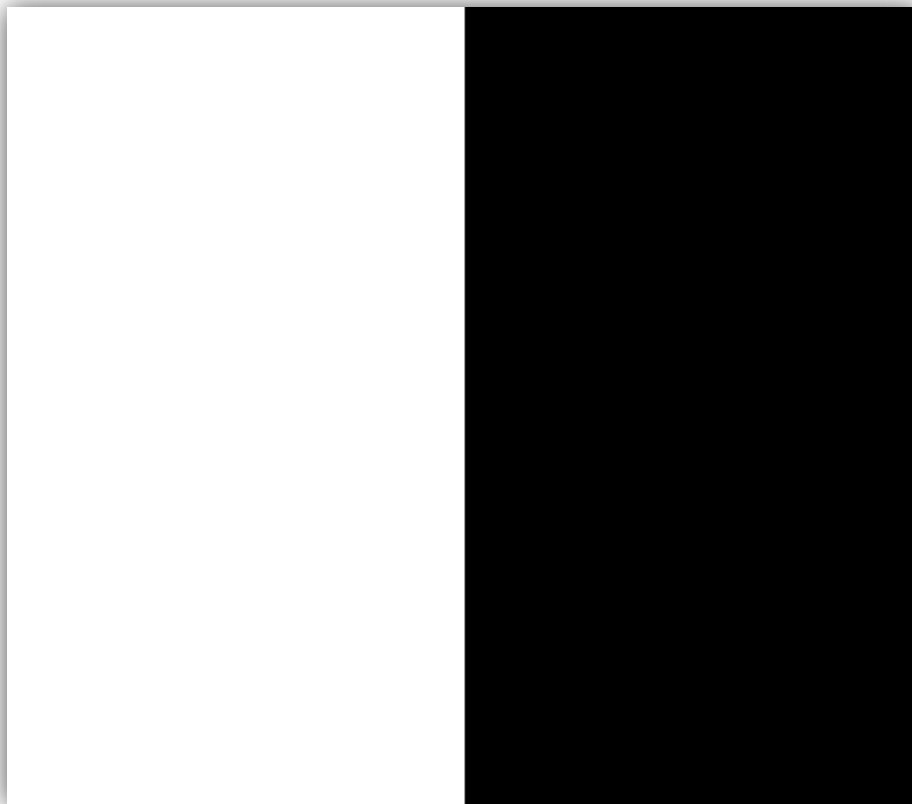
(نمایی از فیلم هتل بزرگ بوداپست ساخته‌ی وس اندرسون - تقارن)



(نمایی از فیلم فرا ماشین ساخته‌ی الکس گارلند - تقارن)

در ترکیب بندی سیاه و سفید (این کارکرد همان طور که مشخص است، در فیلم های سیاه و سفید کاربرد دارد.) چند نکته قابل ذکر است :

۱. در یک کمپوزیسیون سیاه و سفید که به طور یکسان سیاه و سفید وجود دارند، رنگ سفید بزرگ تر به نظر می رسد :



۲. رنگ های روشن جلوتر به نظر می رسند و رنگ های تیره گرایش به عقب نشینی دارند :



(نمایی از فیلم مهر هفتم ساخته ی اینگمار برگمان)

۳. از نور می‌توان برای جدا کردن یک شخصیت یا جسم کمک گرفت. اشخاص یا اجسام جدا افتاده سنگین‌تر از اجسام درون گروه به نظر می‌رسند.



(نمایی از فیلم توت فرنگی‌های وحشی ساخته‌ی اینگمار برگمان)

۴. خطوط می‌توانند القا کننده‌ی ناهماهنگی و پریشانی باشند. (برای مثال خطوط مورب یا قطری رو به بالا)



(نمایی از فیلم تولد یک ملت ساخته‌ی دیوید وارک گریفیث)



(نمایی از فیلم تولد یک ملت ساخته‌ی دیوید وارک گریفیث)

۵. خطوط می‌توانند حس ناامنی، تنش، اضطراب، محرومیت و ... را نمایش دهند.



(نمایی از فیلم چهارصد ضربه ساخته فرانسوا تروفو)

۲. کنتراست:

کنتراست به مفهوم برجسته نمودن و یا ایجاد اختلاف نوری بین اشیاء و یا فضاهای فیلمبرداری در جهت ایجاد تاثیرگذاری و بالا بردن جلوه‌های بصری فیلم است. (این کارکرد در فیلم‌های سیاه و سفید ملموس‌تر است.)



(نمایی از فیلم همشهری کین ساخته‌ی اورسون ولز)



(نمایی از فیلم مرد سوم ساخته کارل ریید)

۳. نورپردازی:

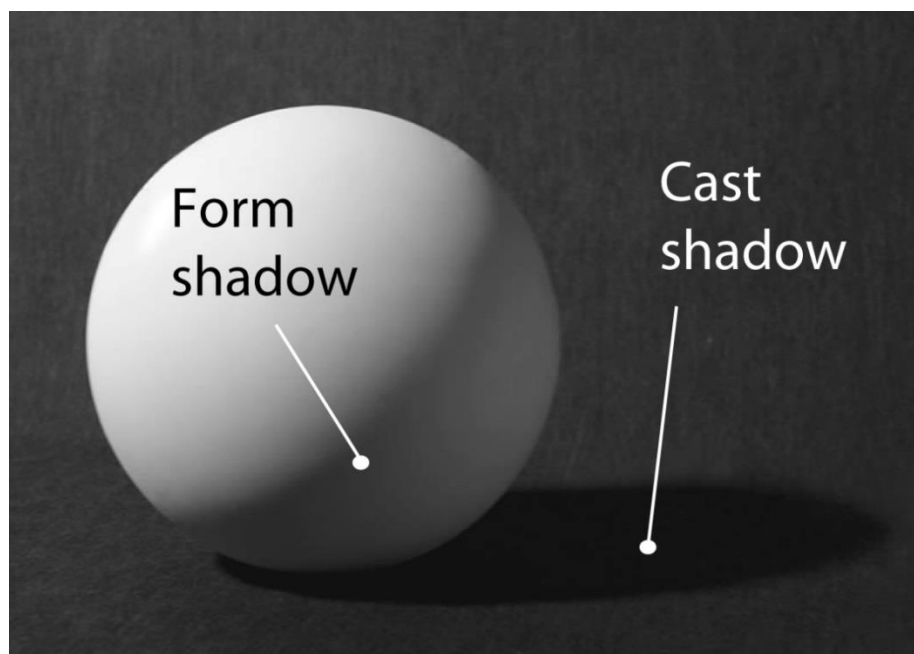
در سینما نورپردازی چیزی فراتر از تاباندن نور به اشخاص و اجسام است. نورپردازی کاری پیچیده است که کارکردهای بسیاری در سینما می‌تواند داشته باشد. از پیشبرد قصه تا ایجاد تعلیق و بعضاً استفاده‌هایی شعر گونه از نور از کارکردهای نورپردازی در فیلم‌ها و سینما هستند.

نورپردازی پدیده‌ای دینامیک در سینما به حساب می‌آید چرا که با هر حرکت جزئی دوربین روشنایی نیز منتقل می‌شود، از این جهت نورپردازی کاری به شدت دقیق است و تکنسین نورپردازی باید هر انتقال حرکت جزئی هنگام فیلمبرداری را محاسبه کند.

از ویژگی‌های نورپردازی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. نورپردازی جزو مهم‌ترین ارکان ترکیب‌بندی یک نما به حساب می‌آید.
۲. بخش‌های روشن و تاریک در ترکیب‌بندی هر نما می‌توانند کمک کنند؛ به این معنا که مثلاً با تاباندن نور به یک شی خاص یا یک فرد خاص توجه مخاطب را به آن نقطه خاص جلب کرد.
۳. سایه توانایی پنهان کردن جزئیات و ایجاد تعلیق دارد.
۴. در کلوزآپ‌ها می‌توان به کمک نورپردازی خطوط صورت و یا حالت صورت را بهتر و پرحس‌تر نمایش داد.
۵. از شب برای مفهوم‌هایی چون رازآمیزی و تعلیق می‌توان استفاده کرد و در کارکردی شاعرانه‌تر شب تجلی رویاها می‌تواند باشد و از روز برای نمایش واقعیت استفاده کرد.
۶. عموماً فضاهای روشن حس امنیت را منتقل می‌کند و فضاهای تاریک حس ناامنی را منتقل می‌کند. اما همواره این‌طور نیست برای مثال آلفرد هیچکاک دقیقاً به عکس این مطلب اعتقاد داشت و در فیلم‌هایی چون روانی از عکس این قضیه استفاده می‌کرد. یا در فیلم درخشش استتلی کوبریک با اینکه با یک فیلم ترسناک طرف هستیم فضاها عموماً باز و روشن هستند.
۷. سایه‌ها به حس فضا کمک می‌کنند. از انواع سایه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

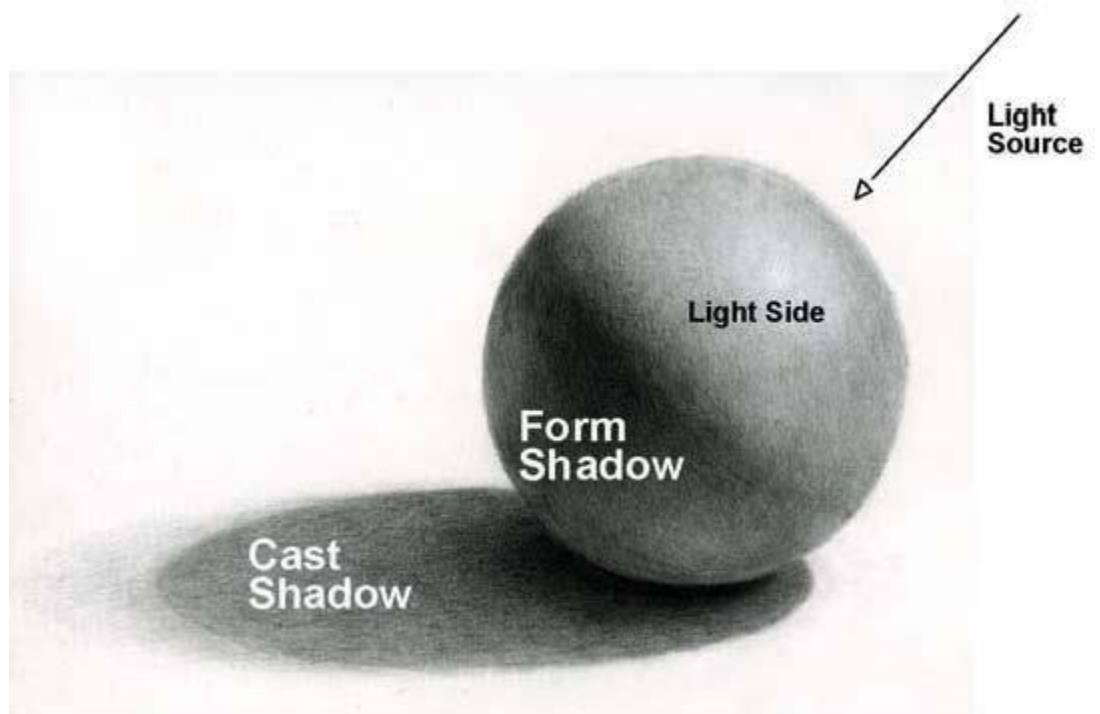
: Form Shadow



: Attached Shadow

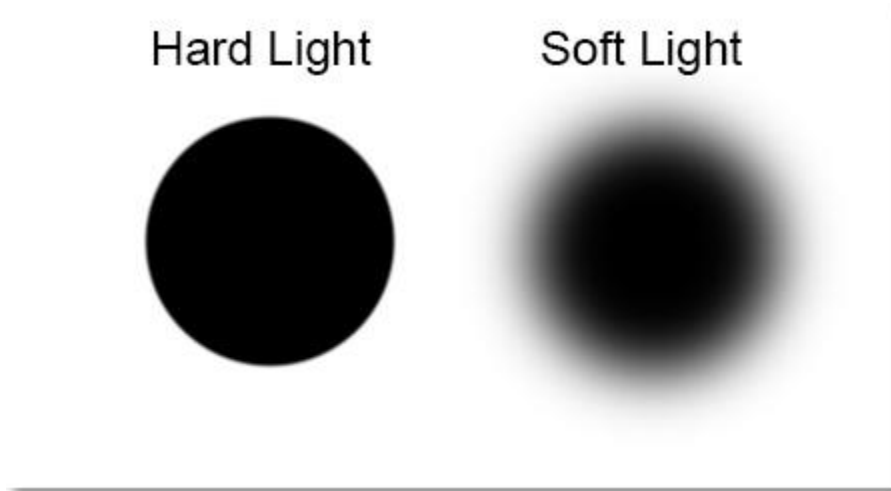


: Cast Shadow



از نظر شدت نورپردازی همان طور که قابل حدس است دو نوع نورپردازی داریم، نورپردازی‌ها یا به سبک نرم هستند و یا به سبک سخت!

منظور از نورپردازی نرم نورپردازی می‌باشد که در آن نورها پخش شده و شدت نورپردازی ملایم است. در مقابل نورپردازی سخت نورپردازی می‌باشد که نورها در آن متمرکز، سایه‌ها مشخص و در آن از نورهای شدید استفاده می‌شود.



در فیلم‌های کلاسیک آمریکا، فیلم‌هایی چون کازابلانکا، می‌توان تصاویری که نورپردازی نرم شده‌اند را دید و در مقابل از نمونه‌های بارز نورپردازی سخت می‌توان به فیلم‌های نوآر اشاره کرد.



(نمایی از فیلم از شمال تا شمال غربی ساخته‌ی آلفرد هیچکاک – نورپردازی نرم، مرز سایه و روشن خیلی مشخص نمی‌باشد)



(نمایی از فیلم مرد سوم ساخته کارل ریڈ - نورپردازی سخت، مرز سایه و روشن در آن مشخص است.)

به صورت آکادمیک می‌توان از تصویر زیر متوجه تفاوت نورپردازی به دو شیوهی نرم و سخت شد :

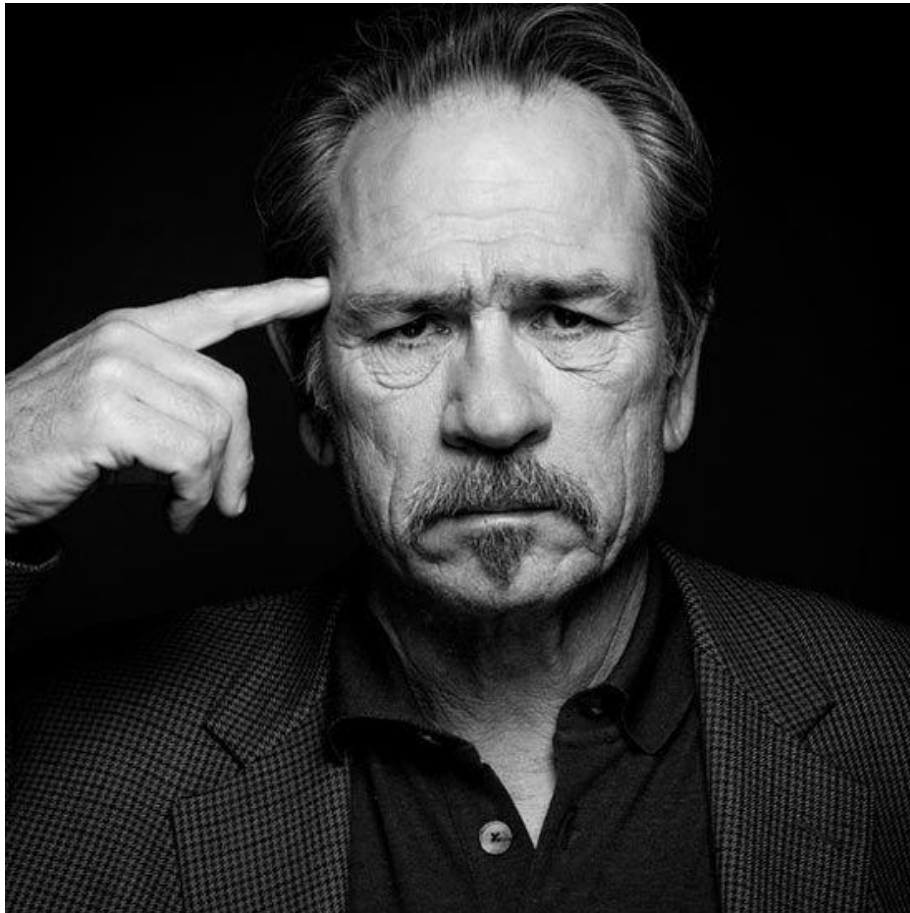


همان‌طور که می‌بینید در نورپردازی نرم مرز سایه و روشن خیلی مشخص نیست در حالی که در نورپردازی سخت سایه کاملاً مشخص است و مرز آن با روشنایی نیز معلوم می‌باشد.

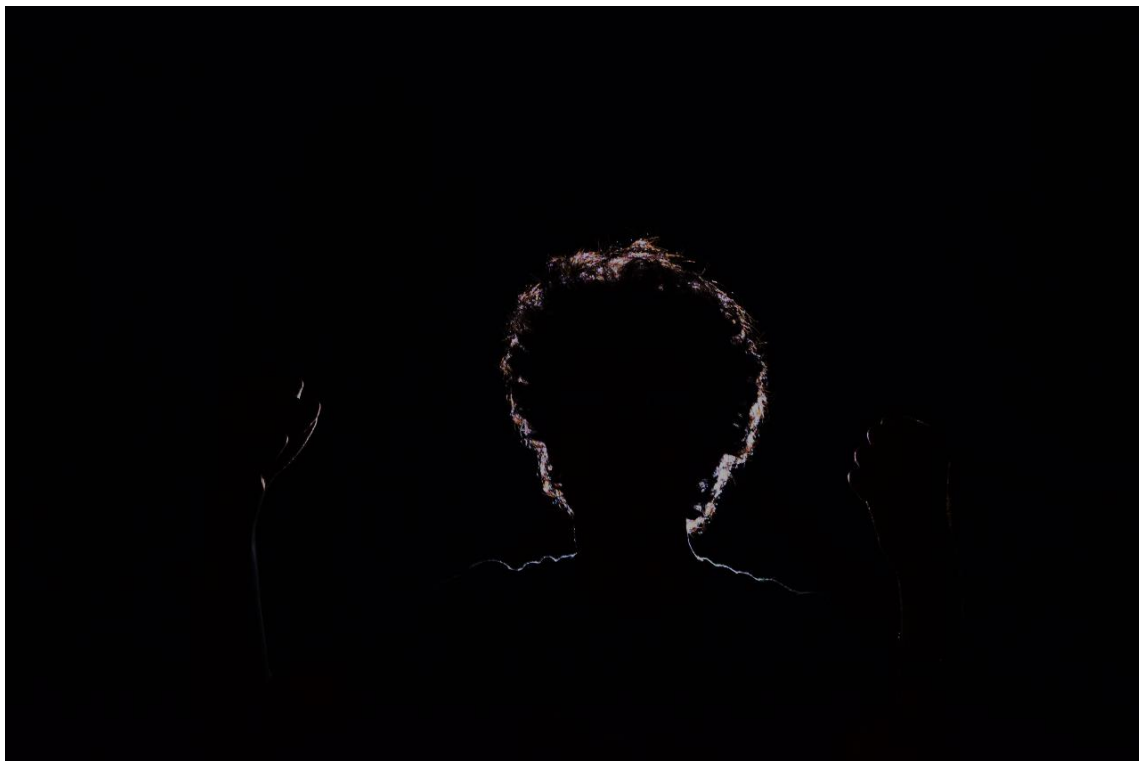
اما از جهت‌های مختلف نیز می‌توان نورپردازی انجام داد که در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت.

از چهار جهت می‌توان نورپردازی را انجام داد :

۱. نورپردازی از جلو (Front Lighting) : نور از روبه‌رو به اجسام یا اشخاص تابیده می‌شود. از کارکردهای نورپردازی از جلو می‌توان به مشخص بودن جزئیات در صورت بازیگر اشاره کرد.



۲. نورپردازی از عقب (Back Lighting) : نور از پشت به اجسام یا اشخاص تابیده می‌شود و می‌تواند در جهت‌های مختلف (از بالا و یا از کنار) تابیده می‌شود. از مهم‌ترین کارکردهای آن اثر ضد نور است که جسم و یا شخص مورد نظر تاریک می‌شود و تعلیق ایجاد می‌شود.



۳. نورپردازی از پایین : نوری که از جلو و پایین به اجسام و یا اشخاص تابیده می‌شود. از کارکردهای آن ایجاد ترس و وحشت است. (چرا که قیافه‌ی شخص را شوم و ترسناک می‌کند.)



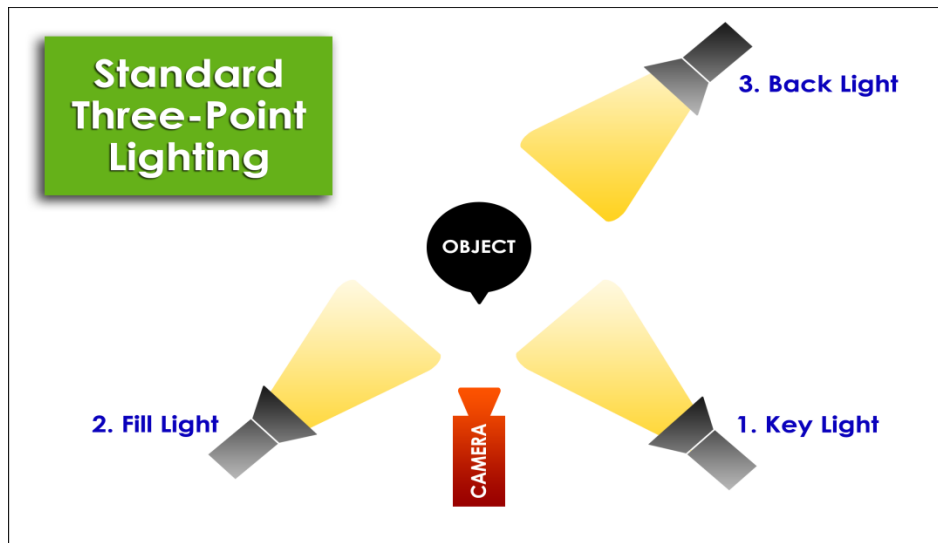
۴. نورپردازی از بالا (Top Lighting) : نوری که از جلو و بالا به اجسام و یا اشخاص تابیده می‌شود. به سایه ایجاد شده در محل چشمها دقت کنید.



۵. نورپردازی از کنار (Side Lighting) : نور از کنار تابیده می‌شود که معروف‌ترین کارکرد آن ایجاد حالت نصف سایه و نصف روشن در صورت بازیگر است.



نورپردازی می‌تواند به صورت سه نقطه‌ای نیز باشد. این نوع نورپردازی به Three Point Lighting معروف است و شیوه‌ی استاندارد آن به صورت زیر است :



گستره‌ی نور و نورپردازی به همین جا ختم نمی‌شود و انواع دیگر نور و نورپردازی وجود دارد برای مثال گاهی برای پوشش دادن سایه‌ها و نقاطی که منبع اصلی نور نمی‌تواند پوشش دهد از نورپردازی به شیوه‌ی مکمل یا Fill Lighting کمک می‌گیرند و یا در بسیاری از فیلم‌ها سعی می‌کنند از نور محیط یا Available Light استفاده کنند که به دلیل طولانی شدن جزوه از پرداختن به انواع دیگر نورپردازی خودداری می‌کنم. بی‌شک خودتان می‌توانید در این مورد تحقیق کنید!



(Available Light)

درباره‌ی تفاوت‌های نورپردازی در دو سبک اکسپرسیونیستی و رئالیستی در کلاس صحبت کرده‌ام. برای مثال رئالیست‌ها علاقه به استفاده از نور محیط دارند در حالی که اکسپرسیونیست‌ها به کنتراست‌های تند و تیز علاقه‌مند هستند!

۴. رنگ :

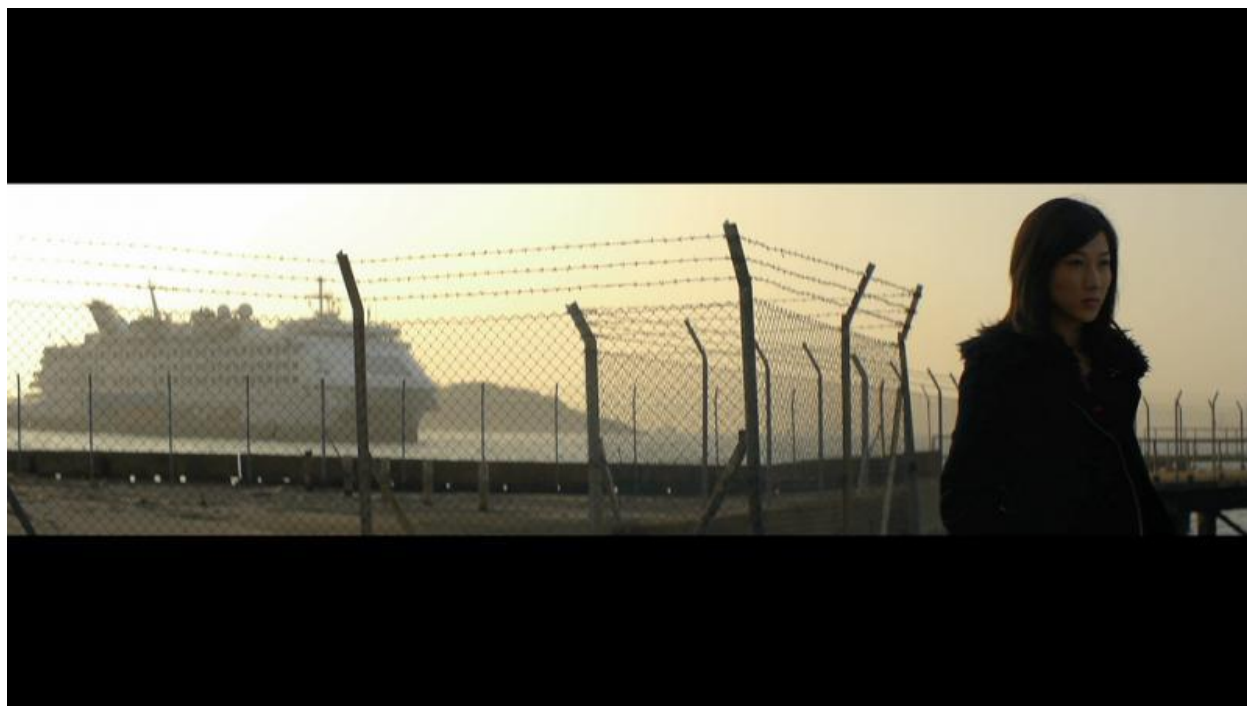
تقریباً از دهه‌ی چهل به بعد فیلم‌های رنگی در سینمای تجاری عمومیت پیدا کردند. تا پیش از آن فیلم‌هایی بودند که رنگ‌آمیزی شده بودند و هررنگ معنای خاصی داشت (برای مثال آبی نماد شب بود و یا زرد نماد روز و روشنایی بود، برای بیشتر متوجه شدن این قضیه فیلم مطب دکتر کالیگاری را مرور کنید!) اما این قضیه عمومیت نداشت. فیلم‌های رنگی به مرور در سینما جاافتادند و اکنون فیلم‌های سیاه و سفید کم‌تری به نسبت فیلم‌های رنگی ساخته می‌شود. فیلمسازان بزرگی درباره‌ی رنگ و مفاهیمی که می‌تواند القا کند به نظریه‌پردازی پرداختند که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به آیزن‌شتاین اشاره کرد. رنگ‌ها علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناسانه‌ای که دارند می‌توانند کارکردهای روان‌شناسی نیز داشته باشند. برای مثال در فیلم آبی ساخته‌ی کریشتف کیشلوفسکی برای القای فضای سرد موجود در فیلم از رنگ آبی استفاده شده است. بسیاری از کارگردانان مطرح سینما از رنگ نه تنها به عنوان یک عنصر زیبایی‌شناسانه بلکه برای القای مفاهیم ذهنیشان استفاده می‌کنند.



۴. دوربین و انواع لنزها :

اگر بخواهیم دوربین را صرفاً یک وسیله برای ضبط ببینیم، از منظر دوربین همه چیز یکسان است و این دقیقاً کارکردی عکس چشم انسان دارد! کارگردان و فیلم‌بردار وظیفه دارند که از دوربین همچون چشم استفاده کنند و این جاست که بحث استفاده از لنزها و فیلترهای رنگی و ... پیش می‌آید. برای مثال در نمایی از فیلم همشهری کین، اورسون ولز با استفاده از لنز شیشه‌ی سم را از نظر ظاهری بزرگ‌تر از خود کین به تصویر می‌کشد و این یک کارکرد استفاده از لنز برای القای مفهوم ذهنی کارگردان می‌تواند باشد. کارگردان با استفاده از لنزها و فیلترها می‌تواند واقعیت را تغییر دهد و تحریف کند. پس بهتر است آشنایی مختصری با انواع لنزها و عدسی‌ها داشته باشیم:

۱. Anamorphic Lens : از ویژگی‌های این عدسی می‌توان به افزایش میدان دید اشاره کرد. این عدسی میدان دید را حدوداً دو برابر می‌کند.



۲. Telephoto Lens : فاصله‌ی کانونی زیاد و زاویه‌ی عدسی باز این امکان را می‌دهد که از فاصله‌ی نسبتاً دور از بازیگرها نمای درشت گرفته شود. آلفرد هیچکاک در فیلم پنجره‌ی عقبی از این لنز کمک می‌گیرد.



۳. Wide Angle Lens : فاصله‌ی کانونی کم و زاویه‌ی باز این امکان را می‌دهد که در فاصله‌ی کم حوزه‌ی وسیع‌تری را مشاهده کرد.



۴. Macro Lens : این عدسی توانایی بزرگ‌نمایی دارد و نسبت به بقیه‌ی عدسی‌ها در سینما کاربرد کم‌تری دارد.



۵. دوربین و زاویای آن :

اگر بخواهیم مختصر به این مبحث بپردازیم می‌توانیم چهار زاویه برای دوربین در نظر بگیریم، برای هر زاویه‌ی دوربین یک مثال هم آورده‌ام. به نظر شما کارکرد هر کدام از این زاویه‌ها چیست؟

۱. High Angle : از بالا به پایین فیلمبرداری می‌شود.



۲. Low Angle : از پایین به بالا فیلمبرداری می‌شود.



۳. Reverse Angle : با یک مثال می‌توان این زاویه را توضیح داد فرض کنید دو نفر رو به روی هم در حال مکالمه‌اند. در حالت عادی از شخصی که در حال صحبت است فیلمبرداری می‌کنیم و سپس از چیزی که شخص صحبت کننده می‌بیند فیلمبرداری می‌کنیم و این قضیه به طور متناوب تکرار می‌شود. به زاویه‌ی دوم Reverse Angle می‌گویند و به چنین نمایی Reverse Shot می‌گویند.



۴. Eye Level : زاویه‌ی فیلمبرداری زمانی که دوربین به موازات افق چشم باشد.



درباره‌ی تفاوت‌های فیلمبرداری در دو سبک اکسپرسیونیستی و رئالیستی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

رئالیست‌ها :

- * پرهیز از زاویه‌ی حد
- * فیلمبرداری از ارتفاع دید انسان
- * اعتقاد دارند مخاطب نباید به دوربین توجه کند

اکسپرسیونیست‌ها :

- * استفاده از زاویه‌ی حد
- * فیلمبرداری از ارتفاع‌های بالا یا پایین نسبت به دید انسان
- * اعتقاد دارند مخاطب باید وجود دوربین را حس کند.

منابعی که در این جزوه به کار رفته است عبارتند از :

هنر سینما - دیوید بوردول و کریستین تامسون

شناخت سینما - لوتیس جانتی

کتاب آشنایی با اصطلاحات سینمایی

با تشکر از علیرضا حبیبزاده و کامبیز تاجیک.

ابرز طاهری - ۱۴ شهریور ۱۳۹۵